



«نور» به تعبیر صریح شیخ اشراق شریف‌ترین ذات هستی است

رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی در نشست «شیخ شهاب‌الدین سهروردی» گفت: از دیدگاه شیخ و به تعبیر صریح او، شریف‌ترین ذات هستی نور است و طبیعی است مثال اعلای او نیز در تمامی مراتب هستی نور باشد.

رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی در نشست «شیخ شهاب‌الدین سهروردی» گفت: از دیدگاه شیخ و به تعبیر صریح او، شریف‌ترین ذات هستی نور است و طبیعی است مثال اعلای او نیز در تمامی مراتب هستی نور باشد.

به گزارش خبرنگار مهر، نشست مجازی روز بزرگداشت «شیخ شهاب‌الدین سهروردی» عصر چهارشنبه ۸ مرداد ماه با حضور و سخنرانی حسن بلخاری رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، مهدی محقق رئیس هیئت مدیره انجمن، احمد تمیم داری استاد دانشگاه علامه طباطبایی و حسن سید عرب عضو هیئت علمی دانشنامه جهان اسلام برگزار شد.

حسن بلخاری در ابتدای این نشست گفت: سهروردی در حکمة الاشراق عوالم را منحصر در چهار عالم دانسته: «انوار قاهره، انوار مدبره، برزخیان و صور معلقه ظلمانیه و مستنیره فیها». جهان برازخ (شامل کواکب و عناصر بسیط و مرکبات مادی) می‌شود و صور معلقه ظلمانیه و مستنیره همان عالم مثال است.

وی ادامه داد: شیخ در مقاله دوم حکمة الاشراق به بحث در باب مراتب وجود می‌پردازد که به فصولی چند تقسیم می‌شود و کلیت آن بیان مراتب نور است. در فصل نخست سخن از قاعده «ان الواحد الحقیقی لا یصدر عنه اکثر من معلول واحد» است و در ادامه کیفیت صدور کثرت از نورالانوار. شیخ در بیان مراتب کثرت به بیان انوار عالی و سافل می‌رسد و متذکر این قاعده بنیادی می‌شود که نور عالی نسبت به نور سافل، قاهر و نور سافل نسبت به نور عالی، عاشق است. بحث بعدی او، تبیین کیفیت صدور کثرت از واحد احد و ترتیب آن است. در متن این بحث به بیان انوار قاهره، برازخ مستقله، انوار مجرده (که آنها را انوار اسفهدیه می‌نامند) و نیز انوار سانحه و افلاک می‌پردازد.

رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی در بخش دیگری از سخنان خود به توضیح درباره مفهوم خورشید و هورخش در اندیشه سهروردی پرداخت و گفت: از دیدگاه شیخ و به تعبیر صریح او، شریف‌ترین ذات هستی نور است (حضرت نورالانوار) و طبیعی است مثال اعلای او نیز در تمامی مراتب هستی نور باشد و دقیقاً از همین روست که در جهان محسوسات نیز هستی اشرف، مثال حضرت نور است و البته هر چه تمام تر لاجرم شریف تر. از دیدگاه شیخ این وجود اشرف، هورخش است: «شریف ترین جسم»؛ ها که تاریکی را قهر می‌کند. ملک کواکب و رئیس آسمان است و روشن کننده روز با امر حق تعالی، اوست نور انوار اجسام چنان که حق تعالی، نور انوار است از آن عقول و نفوس. آیتی دیگر گفت: «وَلِلَّهِ الْمَثَلُ الْأَعْلَى» و این آیتی دیگر را می‌بیین می‌گرداند از روی مثلی، اوست آیتی بزرگ که ظاهرست بنورش، خفی است شرفش بر جاهلان. و آیت حق تعالی ظاهرترین آیات است و ظاهرترین آیات هورخش شدید است و اوست که آیت بزرگ ترین است و علامه است و فاعل است با امر حق تعالی و پوشیده است.

استاد دانشگاه تهران اضافه کرد: بنابراین در نظام نوری شیخ اشراق هورخش یا خورشید تمثیل اعلای نور ذات در هستی محسوسات است. از اینجا نسبت میان نظام نوری شیخ اشراق با نظام فرشته شناسی مزدایی روشن می‌شود. اصل کلمه هورخش از هور و خشت است نه هو و رخس (همان که پورداود بر آن تکیه و تاکید می‌کند و در اوستا نیز به معنای خورشید است)، شیخ اشراق نیز آن را در نظام فرشته شناسی خویش در بیان مراتب نور و وجود، خورشید گرفته است. هورخشنت اوستایی در زبان پهلوی تبدیل به hvaxset (هورشیت) شد و در زبان فارسی خورشید. یعنی شینت اوستایی تبدیل به شیت شد و بنا به تبدیل معمول ت به د در زبان فارسی (هم چون تبدیل بُد-بودا- به بت) شیت پهلوی مبدل به شید فارسی شده است. البته در زبان پهلوی کلمه آفتاب نیز به عنوان لغت برای خورشید وارد زبان پهلوی شد. در فرهنگ پهلوی اصطلاحاتی چون هورشیت چهر به معنای خورشیدچهره (و نام یکی از پسران زرتشت) و نیز هورخشنت به کار رفته است.

این پژوهشگر هنر اسلامی در ادامه سخنان خود گفت: بدون تردید اصطلاح هورخش در حکمت اشراقی همان خورشید در فرهنگ اوستایی و پهلوی است. شیخ اشراق با استناد به مفهوم هورخش، خورشید را به عنوان نور مجرده مدبره عالم ارض انتخاب کرده و در این انتخاب قطعاً به مفهوم آن در فرهنگ ایران باستان نظر داشته، اما شیخ در حکمة الاشراق و در شرح هورخش آن را طلسم شهرپور نیز خوانده است و این به چه معناست؟ شهرپور در فرهنگ اوستایی با

عنوان خشترونیریه آمده و به دو معناست از یک سو به معنای کشور منتخب یا پادشاهی برگزیده و نیز بهشت یا کشور آسمانی اهورا مزدا آمده (شهر در فارسی از همین کشور گرفته شده است) و از دیگر سو نام امشاسپندی است که نگاهی ششمین ماه سال و چهارمین روز ماه بدو سپرده شده. امشاسپندی که پاسبان فلزات و فرشته موکل بر آتش است. محتمل شیخ اشراق این وجه موکل بر آتش بودن را از شهریور برگرفته و نام آن را با هورخش آورده: «هورخش که عبارت از طلسم شهریور بود، نوری است شدیدالضوء، فاعل روز و رئیس آسمان و»

تأثیر شیخ اشراق بر حکمای بعد از خود

در ادامه این نشست مهدی محقق نیز طی سخنان کوتاهی به تبیین جایگاه فکری و اندیشه ای شیخ شهاب الدین سهروردی پرداخت و گفت: شیخ شهاب الدین سهروردی از فیلسوفان بزرگ اسلامی است، به ویژه آنکه خود او مؤسس مکتب «اشراق» بود. یک معنای «اشراق» این است که او فلسفه ای را عرضه کرد که از ایرانیان باستان گرفته بود. معنای دیگر آن بود که این مکتب بر پایه اشراق، یعنی کشفیاتی که بر دل ها آشکار می شود، نهاده شده است.

رئیس هیئت مدیره انجمن آثار و مفاخر فرهنگی تأکید کرد: مشهورترین اثر شیخ شهاب الدین سهروردی، حکمة الاشراق است که شروح متعددی بر آن نوشته شده است. شیخ اشراق تأثیر فراوانی بر حکمای بعد از خودش داشت. جا دارد که آثار این حکیم بزرگ ایرانی و مسلمان مورد بررسی و تحقیق قرار بگیرند، هر چند پروفیسور هانری کرین، مجموعه آثار عربی او و سیدحسین نصر مجموعه آثار فارسی او را در گذشته چاپ کرده اند.

سهروردی و تلفیق حکمت یونانی و خسروانی

سومین سخنران این برنامه احمد تمیم داری بود. او در ابتدا گفت: سهروردی حکیم و فیلسوف بزرگ ایرانی، مختصات و ویژگی هایی دارد که او را از بسیاری دانشمندان دیگر متفاوت می کند. برخی دانشمندان واقعاً مؤسس اند ولی برخی دیگر، مبتکر هستند؛ لذا فلسفه جدید، تئوری جدید و حرف تازه ای را بیان می کنند.

وی تأکید کرد: با همین توضیح کوتاهی که بیان کردم سهروردی هم مؤسس است و هم مبتکر. او از آثار پیشینیان بسیار استفاده کرده اما تئوری های تازه ای نیز در فلسفه خلقت و توجیه مذهب دارد و مکتب اشراق را پایه گذاری کرده که در نوع خود فلسفه جدیدی است. یکی از اقدامات او تلفیق حکمت افلاطونی، خسروانی، نوافلاطونی و حکمت های قدیم است. او در عین استفاده از این فلسفه ها، استقلال فکری نیز دارد و مکتب خود را بنا کرده است.

استاد دانشگاه علامه طباطبایی در ادامه سخنانش با تشریح مراحل چهارگانه حکمة الاشراق سهروردی، اضافه کرد: این مراحل عبارتند از: تزکیه نفس، مشاهده انوار الهی، دریافت علم صحیح (علمی که از راه کشف ذوقی و حکمت استدلالی به دست می آید) و ترکیب و تدوین سه مرحله قبلی. سهروردی هم به عربی می نوشت، هم فارسی. این دیگر از امتیازات او این است که در بیان فلسفه اشراقی خود سعی می کند از تمثیل استفاده کند. اهمیت دادن به داستان برای نشر حقایق و مسائل فکری و فلسفی بسیار مهمی است که در اندیشه سهروردی باید مورد توجه قرار بگیرد.

تمیم داری در پایان سخنان خود تأکید کرد: امیدواریم به همت انجمن آثار و مفاخر فرهنگی آثار مکتوب شیخ شهاب الدین سهروردی به زبان ساده به جهت استفاده عموم علاقه مندان به عرصه حکمت اسلامی و ایرانی منتشر شود.

سهروردی و ابن سینا

سخنران پایانی این نشست مجازی حسن سید عرب بود. او طی سخنانی گفت: منزلت شهاب الدین سهروردی در تاریخ فلسفه اسلامی بسیار با اهمیت است. تمامی اندیشه اسلامی متأثر از یونان نیست. بررسی آثار ارسطو و الهیات شفا ابن سینا، نشان می دهد نوآوری های زیادی در اندیشه های این حکیم مسلمان درباره اصول فلسفی وجود دارد که در فلسفه یونان وجود نداشتند. این جریان بدیع ادامه داشت تا به سهروردی رسید.

وی افزود: شیخ شهاب الدین سهروردی به عنوان دومین مؤسس حوزه فلسفی در تاریخ فلسفه اسلامی، اصول فلسفی خودش را در بررسی حکمت مشائی به دست آورد. به همین دلیل است که باید بیان کرد نمی توان بدون سیر در سنت تاریخ فلسفه، به تاسیس حوزه ای جدید دست زد. به همین دلیل سهروردی بررسی وسیعی در اندیشه های فارابی و ابن سینا انجام داد و ضمن تحلیل مسائل متداول در این فلسفه، به فلسفه اشراقی دست پیدا کرد.

عضو هیئت علمی دانشنامه جهان اسلام در ادامه سخنان خود گفت: شیخ اشراق پس از بررسی فلسفه مشاء، فلسفه اشراق را پایه ریزی کرد. بعد از سهروردی، جریان اشراقی به سیر تاریخی خود ادامه داد. نخستین شارح اندیشه های سهروردی، شهرزوری است که هم مورخ است هم شارح. اندیشه های او کاملاً فلسفی اند و با شرحی که بر حکمة الاشراق نوشت، میراث سهروردی را به نسل های بعدی منتقل کرد. پس از او قطب الدین شیرازی هم شرحی بر این کتاب نوشت. اگرچه شرح این دو حکیم اشراقی در بسیاری از مطالب شبیه هم اند اما بررسی تطبیقی این دو شرح هم از بایسته های سهروردی پژوهی است.

وی ادامه داد: بعد از سهروردی، میراث حکمت اشراقی به این دو فیلسوف رسید و آنها این حکمت را به حوزه شیراز منتقل کردند و آثار بزرگی در این رابطه نوشتند. شاید بتوان بعد از حوزه فلسفی شیراز، بزرگ ترین مفسر اندیشه های سهروردی را ملاصدرا دانست. ملاصدرا به شرح قطب الدین شیرازی، تعلیقه نوشت که از شرح قطب الدین بسیار مهم تر است و تاریخ فلسفه اشراق، او را به عنوان یکی از شارحان بزرگ سهروردی به حساب می آورد؛ درحقیقت این تعلیقه، نشانگر رویارویی دو فیلسوف بزرگ، یعنی سهروردی و ملاصدرا است.

سید عرب در پایان سخنان خود تأکید کرد: بعد از ملاصدرا، تمایل به اندیشه های سهروردی ادامه یافت، به ویژه در آثار حاج ملاهادی سبزواری. این جریان تاریخی علاقه به اندیشه سهروردی، تا حالا نیز ادامه دارد و خوشبختانه اندیشه های سهروردی، به اهتمام شارحان و مفسران او، به نسل ما منتقل شده است و ما امروز مفتخریم که میراث دار این میراث عظیم هستیم.